

در محکومیت تهاجم نظامی امپریالیسم فدراسیون روسیه به اوکراین

بتاریخ (۲۴ فیروری ۲۰۲۲ میلادی) امپریالیسم فدراسیون روسیه با ارتش دوصدهزار نفری باتمام سازوبرگ نظامی از فضاوزمین و دریا کشور اوکراین را مورد تهاجم نظامی قرارداد. پوتین رئیس جمهور روسیه در این تهاجم نظامی اهدافش را چنین مشخص کرد: «تخریب و انهدام تمام زیرساختهای نظامی و نابودی ارتش اوکراین غیرنظامی سازی خلع سلاح این کشور از طریق زورتا که این کشور «بیطرف مانده» و نتواند و یا تعهد بدهد که هیچگاه به عضویت اتحادیه اروپا و «ناتو» در نخواهد آمد. طی این روزها ارتش روسیه با پرتاب موشک و بمب بارانهای هوایی بی رویه بخش اعظم زیرساختهای نظامی و طیارات جنگی و تانکها و سایر اسلحه سنگین اوکراین را منهدم کرده است. البته برخلاف ادعای رهبران کرملین در این حملات نظامی وحشیانه مناطق مسکونی و کارنجات و سایر زیرساختهای تولیدی این کشور را نیز تخریب و ویران کرده است. طی این چند روز بیش از دوهزار تن از خلق اوکراین را بقتل رسانده و هزاران تن را زخمی و معلول کرده و بیش از یک میلیون تن عمدتاً زنان و کودکان از کشور فرار کرده اند. باقی مردم تحت بمب بارانهای طیارات روسی و حملات راکتی و توپخانه و تانک قرار دارند و یا در پناهاگاههای شدیداً سرد و بدون غذا و آب و لباس گرم در فضای رعب و وحشت و در ماتم عزیزان از دست رفته ای شان بسر می برند. طی یک هفته ارتش روسیه شهر بندری «خرسون» را تصرف کرده و شهرهای خارکوف و کی یف را به محاصره در آورده و از زمین و فضا این شهرها را می کوبد. این یک جنگ کاملاً نابرابر است. ولی دیده می شود که مردم اوکراین در برابر متجاوزین روسی به شدت مقاومت می کنند و تعداد زیادی از مردم با دست خالی و یا با کتک مولوتوف در برابر تانکهای روسی می ایستند. اوکراین کشوری کوچک با ارتش (۱۳۰ هزار نفری) با (۱۱۰۰ تانک) (۲۲۰ طیاره جنگی) و (۱۷ کشتی جنگی) در برابر ارتش یک ابر قدرت با این ظرفیت نظامی قرارداد: ارتش ۹۰۰ هزار نفری با ۲۵۰۰ عراده تانک ۱۴۰۰ فروند طیاره جنگی و ۱۷۰ کشتی جنگی با (۵۹۷۷ کلاهک هسته ای استراتژیک) (۱۱۸۵ موشک های بالستیک قاره پیمای) (۸۰۰ موشک بالستیک زیر دریایی) و (۵۸۰ پرتاب هوایی از بمب افکنهای هسته ای). آنهم که ارتش روسیه طی یک هفته بخش اعظم ظرفیت نظامی اوکراین را تخریب و نابود کرده است. دولت ارتجاعی اوکراین وابسته و سرسپرده به امپریالیستهای «ناتو» و آمریکا است و طی روزهای اخیر نیز از کمکهای مالی و تسلیحاتی و حمایتهای سیاسی آنها و دیگر کشورهای امپریالیستی از جمله استرالیا، نیوزیلند، کانادا و جاپان نیز بطور گسترده برخوردار بوده است. لیکن در نبود یک حزب انقلابی پرولتری که مبارزات آزادی خواهانه خلق اوکراین را تاشکست ارتش اشغالگر روسی و سرنگونی طبقات حاکم ارتجاعی اوکراین و قطع کامل سلطه امپریالیستهای غربی و امریکارهبیری می کرد؛ شکست ارتش اشغالگر و پیروزی خلق اوکراین تحت رهبری این دولت ارتجاعی و سرسپرده امپریالیسم امکان پذیر نیست.

بحران کنونی و تهاجم نظامی امپریالیسم روسیه به اوکراین ادامه بحران این کشور طی سالهای اخیر است. بحران اوکراین ۸ سال قبل زمانی آغاز شد که رئیس جمهور سابق اوکراین (ویکتور یانوکویچ) که وابستگی و سرسپردگی به امپریالیسم روسیه داشت از امضای توافق نامه تجاری بین اوکراین و اتحادیه اروپا امتناع کرده و تصمیم دولتش را مبنی بر عدم امضای آن بتاریخ (۲۱ نومبر ۲۰۱۳ میلادی) اعلام نمود. بعد از آن هزاران تن از هواداران جناح مخالف و مردم اوکراین عمدتاً اوکراینی تبارها در شهر کییف تجمع کرده و در برابر این تصمیم دولت اعتراض کردند. بحران اوکراین بوضوح هم علل داخلی داشت و دارد و هم علل خارجی. در بعد خارجی از یکطرف ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و از جانب دیگر فدراسیون روسیه قرار داشتند و دارند. در بعد داخلی طرفداران هر دو جناح امپریالیستی در داخل

و خارج دولت اوکراین در تشدید این بحران سهم داشتند. امریکا و اتحادیه اروپا مصمم بودند که اوکراین نباید به وضعیت قبل تحت رهبری یانوکوویچ و همچنان تحت نفوذ فدراسیون روسیه باقی بماند. از آنجاییکه پارلمان اوکراین به سبب نفوذ فشار ناسیونال‌ش و نیستها و راستهای افراطی (که قویاً از جانب دولت امریکا و اتحادیه اروپا حمایت می‌شدند) بر اوضاع مسلط بودند و پارلمان در جهت برکناری یانوکوویچ رای داد و بحران اوکراین وارد مرحله جدید و حساسی شد. جریان‌ات اوکراین نشان می‌داد که موضوع عمده در بحران اوکراین ابتدا اختلاف دوجناح از طبقات حاکم ارتجاعی بر سر بر و ابستگی به قدرت های امپریالیستی بود. اتحادیه اروپا و امریکا و فدراسیون روسیه. در حالیکه وابستگی به هر یک از این قدرتهای امپریالیستی غارتگر خلاف منافع توده های خلق اوکراین بوده و هست. و در بعد خارجی بحران اوکراین نتیجه ای مستقیم کشمکش وحدت تضاد بین قدرتهای امپریالیستی غربی و امپریالیسم امریکا و امپریالیسم فدراسیون روسیه بر سر تسلط بر اوکراین و استثمار و غارت خلقها و منابع این کشوری باشد. همچنین موضوع اهمیت جیوپولیتیک و جیواستراتژیک اوکراین عمدتاً برای امپریالیسم روسیه در جلوگیری از نزدیکی و نفوذ «ناتو» به مرزهای روسیه و تسلط بر اوکراین و برای امپریالیستهای «ناتو» و امریکا نزدیکی به مرزهای روسیه مطرح بوده است. از جهت دیگر موضوع اعلان «استقلال» کریمه و الحاق آن به فدراسیون روسیه در ماهیت اسارتی دوباره برای خلق شبه جزیره کریمه تحت سلطه امپریالیسم فدراسیون روسیه بود. در این میان غیر از رضای احساسات ناسیونالیستی روس تبارهای کریمه زندگی تحت سلطه امپریالیسم فدراسیون روسیه برای شان هیچ نوع آزادی و رفاه ببار نآورده است. و فقط این طبقات ارتجاعی کریمه هستند که منافع خود را در کنار طبقات حاکم روسیه تامین یافته می‌بینند. نفوس شبه جزیره کریمه (۲.۳ میلیون نفر) است. و در ترکیب ملیتی آن : روس تبارها (۵۸.۹ درصد) اوکراینی تبارها (۲۴.۴ درصد) و تاتارها (۱۲.۱ درصد) شامل می‌باشند. با الحاق کریمه به فدراسیون روسیه و تشدید تضاد طبقات حاکم اوکراین با کرملین امپریالیستهای اتحادیه اروپا و امریکا تا حدی به اهداف غارتگرانه ای شان در اوکراین و این منطقه دست یافتند. و اوکراین هر چه بیشتر تحت سلطه امپریالیستهای اروپایی و امریکایی قرار گرفت. در این میان این خلقهای اوکراین از اوکراینی و روسی تبار و دیگر ملیتها و اقوام ساکن در اوکراین هستند که بازنده اند. در ترکیب ملیتی اوکراین (۷۳ درصد اوکراینی) ۲۲ درصد روس و باقی ملیتها از جمله بلروسی، یهودی، بلغاری، لهستانی و کلدای (شامل هستند).

دراوج بحران در کییف و در آستانه الحاق کریمه به فدراسیون روسیه پوتین هوشدار داد که اگر در مناطق شرقی و جنوبی اوکراین (که مردمان روس زبان اکثریت دارند) هرج و مرج رخ بدهد روسیه حق استفاده از تمام ابزار منجمله ابزار نظامی را خواهد داشت. پوتین همچنین به چند نکته اشاره کرد: «بحران کیف کودتا علیه قانون اساسی اوکراین است. روسیه بفرضیمه کردن کریمه بخاک خود نیست». اما پوتین بیشرمانه دروغ گفت در حالیکه بتاريخ ۱۸ مارچ ۲۰۱۴ سند الحاق کریمه به روسیه را امضا کرد. پوتین گفت: «اقدامات روسیه در اوکراین طبق قانون بین المللی است». این استدلال پوتین نیز جزء ترندهای همه امپریالیستهای غارتگر و سلطه گراست. که مداخلات و تهاجمهای مستقیم نظامی شان را به کشورهای تحت سلطه در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین «ماموریت بشر دوستانه» و یا «تامین صلح جهانی» جا می‌زنند. چنان که همین امپریالیسم فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۸ میلادی با حمله نظامی به کشور گرجستان و سرکوب ارتش این کشور دویالنت (آبخازی و اوسیتای جنوبی) را از گرجستان جدا کرده و بیحیث دو منطقه «مستقل» برسمیت شناخت. و نیز تجزیه کشور فدرال یوگسلاویا در اخیر قرن بیستم صورت گرفت. امپریالیسم امریکا و متحدین «ناتو» آن با طرح یک توطئه گسترده و با مداخلات نظامی مستقیم و با منحرف کردن جنبشهای ناسیونالیستی خلقهای ملیتهای متشکله یوگسلاویا آن را انجام داد. همچنین امپریالیستهای امریکایی و «ناتو» تهاجم نظامی شان به افغانستان را در سال ۲۰۰۱ میلادی «

جنگ علیه تروریسم جهانی» و بر اساس « فیصله شورای امنیت ملل متحد» تبلیغ کردند. بهمین صورت تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا و انگلستان به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی و اشغال نظامی و تسلط استعماری بر این کشور را چنین وانمود کردند. و نیز حملات نظامی بر کشورهای و کشورهای سوریه در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ میلادی با چنین ترفند امپریالیستی انجام شد.

در بحران اوکراین طی هشت سال اخیر بیش از همه عقب ماندگی سیاسی طبقه کارگر اوکراین اعم از اوکراینی تبارها و روس تبارها و سایر ملیتها بوضوح آشکار است. باین صورت که احساسات و تمایلات ناسیونالیستی آنها نسبت به انجام رسالت تاریخی شان در دفاع از منافع طبقاتی خودشان و سایر زحمتکشان اوکراین و بخش کریمه در برابر توطئه های خائنه جناحهای مختلف طبقات حاکم ارتجاعی اوکراین و قدرتهای امپریالیستی علیه خلق و کشورشان رجحان داشته است. زیرا طبقه کارگر اوکراین زیر تسلط فکری و سیاسی تشکلات رویزیونیستی با عناوین کاذب «کمونیست» و «سوسیالیست» قرار دارد. «حزب کمونیست» اوکراین درباره توطئه های امپریالیسم فدراسیون روسیه و تمامیت ارضی این کشور و کلاً بحران این کشور سکوت اختیار کرده و باین صورت خلقهای ملیتهای مختلف اوکراین را در این زمینه به گمراهی کشانده است. در حالیکه هر دو جناح امپریالیستهای اروپایی و امریکایی و روسی از دشمنان سوگند خورده پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان منجمله کشور اوکراین و منطقه کریمه هستند که در جهت تسلط بر اوکراین در برابر هم در رقابت و تضاد شدیدی قرار گرفته اند. و تا زمانیکه پرولتاریای اوکراین خود را از زیر نفوذ ایدئولوژیک سیاسی رویزیونیستها و اپورتونیستها نجات نداده و حزب کمونیست انقلابی خود را ایجاد نکند خلق اوکراین در چنین وضعیت اسفباری گرفتار خواهند بود.

در روزهای قبل از (۲۴ فیروزی) در حالیکه امپریالیسم فدراسیون روسیه بیش از یکصد هزار نیروی نظامی را با تمام ساز و برگ نظامی در مرز اوکراین مستقر کرده بود، همواره در مصاحبه هایش می گفت که: «روسیه در صدد حمله نظامی و اشغال اوکراین نیست» بالمقابل امپریالیسم امریکا و امپریالیستهای اروپایی که فعالیتهای استخباراتی قوی در اوکراین و منطقه داشتند و دارند و با در نظر داشت چگونگی تدارکات نظامی و حرکات و آرایش قوای روسیه در اطراف اوکراین همه روزه صحبت از تهاجم نظامی قریب الوقوع روسیه به اوکراین داشتند. و مشاهده شد که پوتین باز هم دروغ گفت و چند روز قبل از حمله به اوکراین «استقلال» منطقه دنباس (دونتسک و لو هانسک) را که قبلاً زیر کنترل جدایی طلبان اوکراین (به کمک و حمایت همه جانبه روسیه) قرار داشت به رسمیت شناخته و از اوکراین جدا کرد و با ارتش دوصدهزار نفری خلق و کشور اوکراین را مورد تهاجم نظامی قرار داد. ارتش اشغالگر روسی طی ۹ روز اخیر بیش از دوهزار تن غیر نظامی را کشته و بیش از ۱۵۰۰ محل از زیر ساختهای نظامی و اقتصادی و تولیدی اوکراین را تخریب و منهدم کرده و با حملات گسترده و پیهم ویرانیهای گسترده ای در مناطق مسکونی در شهرهای اوکراین بوجود آورده است. و روزانه بیش از صد هزار تن از مردم اوکراین جهت نجات جان شان بخارج از کشور فرار کرده اند. و تا امروز با اذعان دولت روسیه پنج صد تن از نیروهای نظامی آن کشته شده و حدود یک هزار تن زخمی شده اند. باید تذکر داد که در جنایات امپریالیسم روسیه در اوکراین دولت ارتجاعی بلروس که در همکاری همه جانبه با ارتش اشغالگر روسی قرار دارد، شریک جرم سردمداران کرملین است. طی این مدت رقبای امپریالیستی روسیه تحریمهای اقتصادی و مالی و تجاری و سیاسی گسترده ای را علیه روسیه وضع کرده اند؛ لیکن امپریالیسم روسیه با دستور آماده باش سلاحهای هسته ای اش امپریالیستهای امریکایی و اروپایی را تهدید کرده است. و پوتین این گفته را تکرار می کند که: «تارسیدن به اهداف حملات نظامی را در اوکراین ادامه خواهد داد». باز هم این خلق مظلوم و ستمدیده اوکراین است که قربانی خواستها و استراتژی و اهداف شوم غارتگرانه و جنایتبار امپریالیسم روسیه و سایر قدرتهای امپریالیستی و طبقات حاکم ارتجاعی کشورشان شده اند. با اعلام تهدید هسته ای پوتین قدرتهای هسته ای «ناتو» و امریکا نیز تسلیحات اتمی خود را بحالت آماده

باش در آورده اند. از عملکرد و برخورد های کشورهای امپریالیستی طی روز های اخیر چنین برداشت می شود که تضاد قدرتهای امپریالیستی غرب و امریکا و متحدین آن ها در سطح جهان در برابر امپریالیسم فدراسیون روسیه بیش از هر زمانی شدت یافته و در حال حاضر مسأله اوکراین به گره گاه تضادهای آن ها مبدل شده است. و عمق وخامت اوضاع نسبت به هر زمانی درسی سال اخیر بیشتر است. و ملاحظه می شود که شدت و وسعت تحریمها علیه فدراسیون روسیه چنان گسترده است که پوتین را علیه رقبای امپریالیستی اش دچار خشم و عصبانیت شدیدی کرده که آن ها را با سلاح هسته ای تهدید می کند. اوضاع کنونی جهان و تیرگی روابط بین قدرتهای امپریالیستی و سطح آرایش قوا و «دندان سفید کردن» در برابر همدیگر به سطح غیر قابل پیش بینی ای رسیده است. اینکه این شدت تضاد بین قدرتهای امپریالیستی تا چه سطحی عمق و گسترش یافته و اوضاع جهانی را در چه سطحی از وخامت قرار خواهد داد در روز های آینده دیده خواهد شد و یا بفرض اوضاع در جهت کاهش تنش تغییر یافته و سطح وخامت اوضاع فروکش خواهد کرد، نیز مربوط به روزها و یا ماه های آینده است. در این جنگ یک احتمال دیگر نیز وجود دارد و آن گرفتار شدن امپریالیسم روسیه در باتلاق یک جنگ فرسایشی پرهزینه و سرانجام شکست مفتضحانه ای آن است. موضوعی که خواست اصلی رقبای امپریالیستی پوتین و سایر سردمداران کرملین می باشد.

- ناپود باد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع همدست آن!

- پیروز باد مبارزات انقلابی و مترقی خلقهای جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع!

۴ مارچ ۲۰۲۲ میلادی

(پولاد)